

# شرح دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان



## شرح دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان

با بعضی انسانها وقتی معاشرت می کنی بدون اینکه عطری زده باشد خوش بو هستند برعکس بعض افراد هستند عطر هم که می زنند بوی بدی می دهند بخاطر اینکه ایمان و تقوی کاملی ندارد؛ نماز صبحش هم قضا شده لذا بوی بدی می دهد.

منبع : خبرگزاری حوزه , آیت الله مجتهدی تهرانی ؛ احمد

متن:

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ أذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ أَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ يَكْرَمِكَ وَ أَحْفَظْنِي فِيهِ يَحْفَظُكَ وَ سَيِّدِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ [1]

ترجمه:

خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را به من بچشان و برای ادای شکر خود به کرمت مهیا ساز و در این روز به حفظ و پرده پوشی مرا از گناه محفوظ دار ای بصیرترین بینایان عالم.

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ

خدایا به من قوت بده که در ماه رمضان خوب عبادت کنم و امر تو را اطاعت کنم؛ قوت عبادت غیر از قوت بازو است [2]

حکایت

سالها پیش پیرمردی بود در مشهد که بالای صد سال عمر داشت ولی نماز هایش را ایستاده میخواند! همان پیرمرد یک بار سبک را به زور بر میداشت لذا قوه عبادت غیر از قوت بدن است

حکایت

امیر المومنین نان خشک را نمی توانست بشکند ولی قلعه خیبر را فتح کردند و آن رشادت ها را آفریدند و یاران ایشان گفتند: شما با این شجاعت و... چطور نان خشک را نمی توانید بشکنید حضرت فرمودند آن به قوه روحانی بود و این به قوه جسمانی است. [3]

لذا این دو قوه با هم دیگر تفاوت دارد پس ممکن است شخصی باشد شصت ساله ولی قوت عبادت او از شمای جوان نوعی بیشتر باشد لذا در ماه مبارک رمضان از خدا درخواست کنید که قوه عبادت به شما بدهد. در دعای کمیل هم این دعا از خدا خواسته می شود که « قو علی خدمتک جوارحی » [4]

حکایت:

در قدیم پدران ما دو ساعت به اذان برای عبادت در اتاقی خلوت می کردند و یک ساعت بعد از آفتاب از خلوت گاه خود بیرون می آمدند و دنبال کسب و کار می رفتند؛ تاجر های ما هم اینطوری بودند! دعا میخواندند؛ زیارت عاشوراء می خواندند و... بعد به محل کسب میرفتند ولی الان چه...؟! لذا خیر و برکت هم کم شده است.

وَ أذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ

خدایا در این ماه رمضان یک درخواست دیگر هم از تو دارم و آن این است که حلاوت و شیرینی

یاد خودت را به من بچشانی؛ که اگر اینطور شد؛ دعای کمیل خواندن هم مزه پیدا میکند؛ دعای ابوحمزه خواندن هم مزه پیدا میکند؛ دعای افتتاح مزه کند؛ روزه ماه مبارک رمضان مزه کند و... بدانیم که عبادت هم مزه دارد.

**روایت:**

در روایت وارد شده است که اگر عالمی به علمش عمل نکند کمترین عذابی که خدا برای او در نظر میگیرد این است که حلاوت و شیرینی مناجات با خدا از او گرفته می شود « إِنَّ أَدَّتِي مَا أَنَا صَائِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزَعَ حَلَاوَةَ مَنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ » [5] پس دعا و عبادت مزه دارد

**وَأَوْزَعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ يَكْرَمِكَ**

خدایا به کرمت به من توفیق اداء شکر را بده

شکر به چه معنا است آیا صرف الهی شکر گفتن است؟

نه؟! شکر یعنی اینکه نعمت هایی که خداوند تبارک و تعالی به من داده است را درست و بجا مصرف کنم؛ اینکه چشم به نامحرم نگاه نکند شکر چشم است؛ اینکه گوش از آواز حرام و غیبت دوری بکند شکر گوش است؛ زبان هم اگر غیبت نکند شکر زبان کرده ام.

خدایا به من توفیق بده شکر تو را بجا آورم

**شعر:**

شکر نعمت نعمت افزون کند \*\*\*\* کفر نعمت از کفت بیرون کند

**وَ احْفَظْنِي فِيهِ يَحْفَظُكَ وَ سِئْرَكَ**

خدایا در روز چهارم ماه رمضان من را از گناه حفظ کن و توفیق ترک گناه بده تو ستار العیوب هستی من را حفظم کن تا کسی از گناهان من با خبر نشود

**روایت:**

در روایت آمده است که؛ اگر گناه بو داشت هیچ دونفری پهلوی هم نمی نشستند « لو تکاشفتم ما تدافتم » [6] اگر از گناهان هم خبر داشتید هیچ کس جنازه دیگری را دفن نمی کرد؛ باید خدا را شکر کنیم که گناه بو ندارد

البته اولیاء الهی بوی بد گناه را متوجه میشوند؛ امثال شیخ رجب علی خیاطها متوجه بوی گناه می شدند لذا گناه بو دارد؛ ایمان هم بو دارد.

**حکایت:**

اویس به دیدن پیامبر خدا آمد ولی ایشان تشریف نداشتند و بخاطر قولی که به مادر داده بود منتظر رسول الله نمازد و به یمن برگشت وقتی رسول خدا ( صلی اله علیه و آله و سلم ) وارد منزل شدند؛ فرمودند بوی اویس به مشام می رسد « **إِنِّي لِأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ** » [7] بوی ایمان اویس منزل رسول الله را معطر کرده بود [8]

با بعضی انسانها وقتی معاشرت می کنی بدون اینکه عطری زده باشد خوش بو هستند برعکس بعض افراد هستند عطر هم که می زنند بوی بدی می دهند بخاطر اینکه ایمان و تقوی کاملی ندارد؛ نماز صبحش هم قضا شده لذا بوی بدی می دهد. شیطان به صورت چنین آدمی بول می کند در حاشیه مفاتیح آمده است؛ هر شب سه بار فرشته و ملکی شما را برای نماز شب بیدار میکند؛ اگر بلند نشدی و اذان صبح گفته شد؛ شیطان خوشحال می شود که موفق به خواندن نماز شب نشده ای و بعد بول میکند بر صورت این چنین شخصی. لذا در قدیم صورت ها نورانی بود ولی الان صورتها تاریک و کدر است. [9]

**يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ**

ای خدای که از همه کسانی که نظر میکنند تو بصیرتر هستی؛ ای خدای که از همه بینا تر

هستی به ما توفیق بده که ما در ماه رمضان گناه نکنیم به حفظ خودت و به ستر خودت.

### پی نوشت ها:

[1] - البلد الأمين و الدرع الحصین ص : 219 ؛ در بعض مجامع روایی بجای «ابصر الناظرین»

عبارت «یا خَیْرَ النَّاصِرِینَ» آمده مراجعه شود به «اقبال الاعمال ج 1 ص : 257»

[2] - جلال الدین محمد بلخی (ره) در کتاب مثنوی معنوی گفته است :

قوت جبریل از مطبخ نبود \*\*\*\* بود از دیدار خلاق وجود

همچنان این قوت ابدال حق \*\*\* هم ز حق دان نه از طعام و از طبق

[3] - «بحار الأنوار ج : 21 ص : 26»

لی، [الأمالی للصدوق] الدَّقَاقُ عَنِ الصُّوفِيِّ عَنِ عَبِيدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْحَبَّالِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْخَشَّابِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مِحْصَنَ عَنِ ابْنِ طَبَّيَّانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ فِي رِسَالَتِهِ إِلَى سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مَا قَلَعْتُ بَابَ خَيْرٍ وَ رَمَيْتُ بِهِ خَلْفَ ظَهْرِي أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا يَفُوقَ جَسَدِيَّةً وَ لَا حَرَكَةَ غِذَائِيَّةً لِكَيْبِي أُيِّدْتُ بِفُوقِ مَلَكُوتِيَّةٍ وَ نَفْسِي بِنُورِ رَبِّهَا مُضِيئَةً وَ أَنَا مِنْ أَحْمَدَ كَالصَّوْءِ مِنَ الصَّوْءِ وَ اللَّهُ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ وَ لَوْ أَمَكَّتْنِي الْعُرْصَةُ مِنْ رِقَائِهَا لَمَا بَقَيْتُ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِ مَتَى حَتَفَهُ عَلَيْهِ سَاقِطٌ فَجَنَانُهُ فِي الْمُلِمَّاتِ رَاطِطٌ

[4] - «اقبال الاعمال ص 709 ؛ مفاتيح الجنان ؛ دعای کمیل»

[5] - «کافی ج 1 ص 46»

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُجِبًّا لِذُنُوبِهِ قَاتِلُهُمْهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُجِبِّ لِشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ ص أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ ع لَا تَجْعَلَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالذُّبَابِ فَيَصُدُّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلِيكَ قَطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ يَهُمُّ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُتَاجِرِي عَنِ قُلُوبِهِمْ [6] - «بحار الأنوار ج : 74 ص : 385»

[عیون أخبار الرضا علیه السلام] لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الصُّوفِيِّ عَنِ عَبِيدِ اللَّهِ مُوسَى الرَّوْيَانِيِّ عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِحَدِيثٍ عَنْ آبَائِكَ ع فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ جَدِّي ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا يَزَالُ النَّاسُ يَخِيرُ مَا تَفَاوَتْوا قَدَا سَتَوْوا هَلَكُوا قَالَ قُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ جَدِّي ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَاقَنْتُمْ

[7] - مجموعه ورام(تنبيه الخواطر) ج 1 ص 154 «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ

مِنْ جَانِبِ الْبَيْتِ»

[8] - اويس قرن یکی از زهاد ثمانیه است که شبی را به رکوع و شبی را به سجده می گذرانید.

آنقدر تابش نور حقیقت در دل او اثر گذارده بود که با آنکه خدمت رسول الله نرسیده بود چنان اتصال باطنی داشت که وقتی که دندان پیامبر در احد شکست، دندان او در وطن خود شکست. شغلش شترچرانی بود و ارتزاقش از آن بود. مادری داشت که بسیار به او علاقه مند بود. از مادر اجازه خواست که رخصتش دهد تا به خدمت رسول الله برسد. مادر نیم روز به او اجازه داد که در مدینه خدمت پیغمبر برسد و زیاده توقف نکند، و اگر پیغمبر در مدینه نبود مراجعت نماید. اويس بسوی مدینه آمد و از رسول الله تفحص کرد، گفتند پیغمبر در مدینه نیست. یکی دو ساعت توقف نموده روی اطاعت امر مادر مراجعت کرد. چون حضرت به مدینه مراجعت کردند، فرمود: این نور کیست که در این خانه می نگرم؟! گفتند: شتربانی که اويس نام داشت آمد و باز شتافت. حضرت فرمودند: در خانه ما نور خود را به هدیه گذاشت و رفت.

در «بحار الأنوار، ج 42، ص 155؛ سفینه البحار، ج 1، ص 53» : چنین نقل شده است که [رسول

خدا می‌فرمود: بوهای خوش بهشت از جانب قرن به مشام می‌رسد. چقدر اشتیاق دیدار ترا دارم ای اوپس! آگاه باشید: هر کس او را زیارت کرد سلام مرا به او برساند. سؤال شد ای رسول خدا مگر اوپس قرن کیست؟ فرمود: شخصی است که اگر از شما پنهان بماند گویا کسی را گم نکرده‌اید و اگر در میان شما باشد چندان به او اعتنائی نمی‌کنید و بهاء نمی‌دهید. بواسطه شفاعت او در روز قیامت همانند تعداد افراد قبيله ربیعه و مضر به بهشت می‌روند. به من ایمان آورده است درحالیکه مرا ندیده و در رکاب خلیفه من امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السّلام در جنگ صفین به شهادت خواهد رسید. «منبع: انوارالملکوت ج 2 ص 263الی 264 ؛ علامه سید محمد حسین طهرانی»

[9] - «من لا یحضره الفقیه-ترجمه غفاری ج 2 ص 168»

علاء از محمد بن مسلم و او از یکی دو امام باقر یا صادق علیهما السّلام روایت کرده که فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در طول شب يك بار یا دو بار (فرشتگان) او را از خواب بیدار می‌کنند، اگر از بستر برخاست که توفیق نماز شب را یافته است، و اگر نه این بار شیطان بجای فرشتگان می‌آید، و در گوش او بول می‌کند، آیا ندیده‌اید که وقتی کسی صبح از خواب برمیخیزد اگر سحر به عبادت برنخاسته باشد چقدر افسرده و سنگین و تنبل و کسل است؟!!